

بیماری حسادت و درمان آن

مؤلف: فواز سعود الماطر

مترجم: پدram اندایش

بیماری حسادت و درمان آن // 1

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله

پروردگار جهانیان است و صلوات و

سلام بر برترین رسول، سرور ما،

محمد و بر آل و اصحابش و کسی که

تا روز قیامت از او به نیکی تبعیت کند

و اما بعد:

برای قلب منزلت و اهمیت

زیادی در زندگی انسان وجود دارد و

سالم بودن و نیکو بودن آن سببی

برای خوشبختی در دنیا و آخرت

112 // بیماری حسادت و درمان آن

می باشد. دلیل بیشتر مشکلات مردم قلب است؛ ولی با این وجود در بین عده‌ای که در بین مسلمانان کم هستند، از توجه به قلب، غفلت وجود دارد، با وجود آن که آن اساس و پایه می باشد.

در اینجاست که در اجتماع آفت‌ها و بیماری‌هایی وجود دارند که سبب پراکندگی اجتماع می شوند و سبب ضعیف شدن دوستی و محبت بین افراد آن می شوند و ارتباطات در

بیماری حسادت و درمان آن // 3

نتیجه‌ی آن سست می‌شوند. درباره‌ی یکی از آن بیماری‌ها صحبت می‌کنیم و آن چیزی نمی‌باشد، جز حسادت. این مطلب را برای آن نوشتیم تا تعریف حسادت، حقیقت آن، سبب-های آن، اثرهای بد آن و راه‌های حفظ شدن از آن را بیان داریم. این در حالی است که از مولای پُر قدرت طلب می‌نماییم تا قلبهای ما را از کینه و حسادت پاک فرماید و بین قلبهای

114 // بیماری حسادت و درمان آن

مسلمانان الفت ایجاد نمید، او
بخشندهای گرامی است.

نوشته شد توسط

نیازمند عفو پروردگارش / فواز بن

سعود الماطر

تعریف حسادت و حقیقت آن

گروهی از مردم گفته‌اند:

حسادت همان آرزوی از بین رفتن

نعمت برای کسی است که مورد

حسادت واقع شده است و این وقتی

است که به مانند آن نعمت برای

حسادت وجود ندارد. بر خلاف غبطه

خودن و این وقتی است که آرزوی

چیزی می‌شود، بدون آن که دوست

داشته شود که نعمت نزد کسی که به او

116 // بیماری حسادت و درمان آن

غبطه خورده می‌شود، از بین برود.
حق آن است که حسادت همان بغض
و کراهت داشتن بر نیکویی حال
حسادت شده می‌باشد.

آن دو نوع است: یکی از آنها
کراهت داشتن از این که نعمتی برای
کسی وجود دارد و آن حسادت
نکوهیده است و وقتی است که بغض
می‌ورزد و از وجود آن نعمت برای
صاحب آن درد می‌کشد و آزار می‌بیند
و آن مرضی در قلب وی می‌باشد و

بیماری حسادت و درمان آن 7//

از، از بین رفتن نعمت از آن شخص لذت می‌برد، حتی اگر سودی از، از بین رفتن آن برایش وجود نداشته باشد. نوع دوم: از فضیلت حسادت شده کراهت وجود دارد و دوست دارد که به مانند او یا برتر از او شود و این حسادتی است که غبطه نامیده می‌شود، و آن را پیامبر ﷺ حسادت نامیده است در حدیث متفق علیه‌ای که ابن مسعود و ابن عمر رضی الله عنهما آن را روایت کرده‌اند، پیامبر ﷺ فرموده است: «لا

8// بیماری حسادت و درمان آن

حسد إلا فی اثنتین رجل آتاه الله
الحکمة فهو یقضى بها ویعلمها، ورجل
آتاه الله مالاً فسلطه علی هلکته فی
الحق» (حسادت) (از نوع غبطه) فقط
در دو امر جایز است: مردی که الله
[تعالی] به او حکمت داده است و او
توسط آن حکم می‌کند و آن را
آموزش می‌دهد و مردی که الله
[تعالی] به او مالی داده است و او را بر
مصرف کردن در حق، مسلط کرده
است [به این معنا که او آن را در راه

بیماری حسادت و درمان آن // 9

اطاعت از الله تعالى انفاق می نماید [د].
بخاری (بخارایی) از ابوهریره رضی الله عنه
روایت کرده است و لفظ او این هـ ی -
باشد: «لا حسد إلا فی اثنتین: رجل
آتاه الله القرآن فهو يتلوه آناء الليل
والنهار فسمعه رجل فقال: يا ليتني
أوتيت مثل ما أوتي هذا فعملت فيه
مثل ما يعمل هذا، ورجل آتاه الله مالاً
فهو يهلكه في الحق، فقال رجل: يا
ليتني أوتيت ما أوتي هذا فعملت فيه
ما يعمل هذا» (حسادت (از نوع غبطه)

10 // بیماری حسادت و درمان آن

جایز نمی‌باشد، مگر در دو چیز:
مردی که الله [تعالی] به او قرآن را
داده است و او آن را پاسی از شب و
پاسی از روز می‌خواند و مردی از او
شنیده و می‌گوید: ای کاش به مانند
آنچه به او داده شده است به من نیز
داده شود و به مانند او به آن عمل کنم
و مردی که الله [تعالی] مالی به او داده
است و او آن را در راه حق مصرف
می‌کند و مردی می‌گوید: ای کاش به
مانند آنچه به او داده شده است، به من

بیماری حسادت و درمان آن // 11

نیز داده شود و به مانند او دربارهی آن عمل نمایم).

این حسادتی که پیامبر ﷺ آن را جز در دو مورد، نهی فرموده است، غبطه نامیده می‌شود و آن لین گونه است که شخص دوست دارد به مانند آن چیزی که نزد دیگران است، به او نیز داده شود و کراهت دارد که آن شخص از او برتر باشد. اینجا حسادت نامیده شده است و لین تا زمانی است که کوشش او این باشد که

12 // بیماری حسادت و درمان آن

به مانند آنچه را که الله تعالی به او داده است، به وی نیز بدهد. گفته می-شود: منشأ آن دوست داشتن آن است که نعمتی که به دیگران داده شده است، به او نیز داده شود و اگر آن در شخص دیگری وجود نداشت، این دوست داشتن به وجود نمی آمد و همچنین کراهت دارد که آن شخص از او برتر باشد. اگر این خصلت در شخص دیگری وجود نداشت، دوست داشتن آن ایجاد نمی شد و به همین

بیماری حسادت و درمان آن // 13

دلیل حسادت نامیده شده است، چون او کراهتی دارد که در نتیجه‌ی دوست داشتن، به وجود می‌آید.

اما کسی که دوست داشته باشد که الله تعالی به او نعمت دهد، بدون آن که آن را از مردم بگیرد، این حسادت نمی‌باشد؛ به همین دلیل بیشتر مردم به این نوع دوم مبتلا می‌شوند و حقیقت حسادت این است که از خیرهایی که نزد مردم وجود دارد، انسان بدش بیاید و این چیزی سوای رقابت است.

14 // بیماری حسادت و درمان آن

صاحب اللسان گفته است: «آرزو می‌کند که نعمت او و فضیلت او تغییر یابد یا آن که آنها از او گرفته شود». جوهری گفته است: «آرزوی از بین رفتن نعمت از کسی که به او نعمت داده شده است را دارد و عده‌ای آن را خاص این گردانده‌اند که نعمت و فضیلت او تغییر یابد یا آن که آن دو از وی گرفته شود». حق همان است که به صورت عام می‌باشد.

بیماری حسادت و درمان آن // 15

نووی گفته است: «علماء می-
گویند: حالت حقیقی آن: از بین رفتن
نعمت از نزد صاحب آن است و این به
اجماع علمای امت حرام است و
نصوص آشکاری بر آن وجود دارد.
اما حالت مجازی آن: همان غبطه
خوردن است و آن آرزوی نعمتی به
اندازه‌ی نعمتی است که در دست
دیگران می‌باشد و به همراه این است
که نمی‌خواهد نعمت در دست صاحب
آن، از بین برود. اگر در امور دنیا

16 // بیماری حسادت و درمان آن

باشد، مباح است و اگر در اطاعت [از
الله تعالی] باشد، آن مستحب می-
باشد». همچنان گفته شده است:
حسادت آرزوی از بین رفتن نعمت
برای صاحب آن است و یکسان است
که این نعمت دنیوی باشد یا اخروی.
همچنان گفته شده است: کراهت
وجود داشته باشد که نعمت در نزد
برادر باشد و دوست داشته شود که آن
از بین برود.

بیماری حسادت و درمان آن // 17

مرزهای حسادت: کراهت

داشتن از نعمتی [که نزد دیگران است]

و دوست داشتن و اراده نمودن برای

از بین رفتن نعمت، از نزد صاحب آن،

می‌باشد. ولی غبطه آن است: از بین

رفتن آن دوست داشته نشود و از

وجود و دوام آن کراهت وجود نداشته

باشد ولی انسان دوست داشته باشد که

به مانند آن، برای خودش وجود داشته

باشد. رقابت: آن است که شخص در

دیگری نعمتی در دین یا دنیا ببیند و

18 // بیماری حسادت و درمان آن

غصه بخورد که چرا الله تعالی به مانند آن نعمت را به او نداده است و دوست داشته باشد تا به او برسد و یا مثل او باشد و غصه خوردن او از نعمتی که در دست کسی است که با او رقابت می‌کند، نمی‌باشد و فقط غصه می‌خورد که چرا مثل او نمی‌باشد.

در حسادت، در حقیقت نوعی دشمنی با الله تعالی وجود دارد و آن کراهت داشتن از آن است که الله تعالی به بنده‌اش نعمتی را داده است که

بیماری حسادت و درمان آن // 19

خودش وَعَلَيْكَ آن را دوست دارد و شخص دوست دارد که آن نعمت از بین برود، ولی الله تعالی از آن کراهت دارد و آن با [راضی بودن به] قضا و قدر و دوست داشتن الله تعالی در تضاد است. این چنین بود که ابله یس حقیقتاً با او دشمنی نمود، چون ریشه‌ی گناه او غرور و حسادت بود.

برای حسادت مرزی وجود دارد که آن رقابت نمودن در طلب کمال و خودستایی است و به غرور

20 // بیماری حسادت و درمان آن

شخص بر می خورد تا کسی بر او
پیشی گیرد و در نتیجه [این حسادت]
تبدیل به ستم و ظلم می گردد و به
همراه این است که آرزو می شود تا
نعمت از دست شخصی که به او
حسودی شده است، خارج گردد و
اشتیاق ایجاد می شود تا او را آزار
دهد و از نعمت او کاسته شود و همت
او ضعیف گردد و خود شخص
کوچک شود.

بیماری حسادت و درمان آن // 21

یوسف علیه السلام با حسادت

برادرانش به بلا گرفتار شد و آن

هنگامی بود که گفتند: ﴿لِيُوسِفُ وَأَخُوهُ

أَحَبُّ إِلَيَّ أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ

أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [یوسف: 8]

(یوسف و برادرش از ما نزد پدرمان

محبوبتر هستند و ما گروهی نیرومند

هستیم و پدرمان در گمراهی آشکاری

است). در نتیجه برای آن که پدرشان

او را بر دیگران برتری داده بود، به او

حسادت کردند، به هم این دلیل

22 // بیماری حسادت و درمان آن

يعقوب عليه السلام به يوسف عليه السلام گفت: ﴿لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [يوسف: 5] (خوابت را برای برادرانت بازگو نکن! زیرا بر تو حيله بر می‌بندند و شيطان برای انسان دشمنی آشکار است). سپس آنها با تصمیمی که بر قتل او گرفتند و نتیجه آن شد که او را در چاه بیاندازند، به او ظلم نمودند و او را ارزان فروختند تا به سرزمین کفر برده شود و ملک

بیماری حسادت و درمان آن // 23

یمینی برای کافران شود. به حسن بصری گفته شد: آیا مؤمن حسادت می‌کند؟ گفت: «چه چیز برادران یوسف را از یاد تو برده است که ابایی از آن نداری؟! ولی زمانی که اندوه آن در سینه‌ی تو است در حالی که با زبان یا دست عملی را انجام ندهی، ضرری به تو نمی‌رساند»¹.

¹ - با این مضمون حدیثی در شعب

الایمان امام بیهقی وجود دارد. (مترجم)

24 // بیماری حسادت و درمان آن

الله تعالی درباره‌ی یهودیان می‌فرماید: ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ﴾ [البقره: 109] (عده‌ی زیادی از اهل کتاب دوست دارند که شما را بعد از ایمانتان [به کفر] بازگرداند و این از روی کفر و حسادتی است که در نزد آنها می‌باشد و این بعد از آن است که حق برای آنها روشن شده است) «یودون» به

بیماری حسادت و درمان آن // 25

معنای آن است که از روی حسادت آرزو می‌کنند که شما را مرتد نمایند و حسادت دلیلی بر وجود آن دوست داشتن، می‌باشد و این بعد از آن است که حق برای آنها روشن شده است؛ این برای آن است که آنها می‌بینند که نعمتی به شما رسیده است که آن نعمت به آنها نرسیده است و به همین دلیل حسادت می‌کنند.¹

¹ - به این معنا که حسادت می‌کنند، چرا

همچنین در آیه‌ی دیگری آمده

است: ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا

آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ

إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ

مُلْكًا عَظِيمًا * فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ

وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ

سَعِيرًا﴾ [النساء: 54] (آیا به مردم به

واسطه‌ی آنچه الله [متعال] به آنها از

=

نبوت به عربها داده شده است و نه به نژاد

آنها. (مترجم)

بیماری حسادت و درمان آن 27//

بخشش خود داده است، حسادت می‌کنند، به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنها پادشاهی بزرگی دادیم * از آنها کسی بود که به آن ایمان آورد و از آنها کسی بود که از آن جلوگیری می‌کرد و [برای چندین افرادی] آتش جهنم کافی است). الله تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرِّ زَغَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾ [الفلق: 1

– 5] (بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌ی صبح * از شر آنچه آفریده است * و از شر تاریکی وقتی فرا می‌گیرد * و از شر کسانی که در گره‌های دمنده * و از شر حسود آنگاه که حسودی می‌کند). گروهی از مفسران بیان داشته‌اند که آن به سبب حسادت یهودیان به پیامبر ﷺ نازل شده است. آنقدر حسادت کردند تا آن که حتی او را جادو نمودند و توسط لیبید بن أعصم یهودی جادو شد.

بیماری حسادت و درمان آن // 29

الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ [الحشر: 9] (و در سینه - هایشان نیازی به آنچه می دهند نمی - یابند و [آنها را] بر خود ترجیح می - دهند، حتی اگر به شدت نیازمند باشند). [این آیه برای انصار رضی الله عنهم نازل شده است] و به معنای آنچه که به برادران مهاجر خود می دادند، می - باشد. مفرسان گفته اند: «نیازی در

30 // بیماری حسادت و درمان آن

سینه‌هایشان نمی‌یافتند به معنای آن است که حسادت و خشمی نسبت به آنچه به مهاجرین رضی الله عندهم می‌دهند، در آنها وجود ندارد. بعضی از آنها گفته‌اند: منظور از مال فیء است. همچنین گفته شده است: منظور در فضیلت و جلو افتادن [مهاجرین رضی الله عندهم در ایمان] است. آنها از آنچه از مال و مقام که به مهاجرین داده می‌شود، نیازی حس نمی‌کردند و حسادت در آنها وجود نداشت. همچنین بین اوس و خزرج

بیماری حسادت و درمان آن // 31

در دین رقابت وجود داشت و اگر گروهی از آنها کاری را می‌کردند که الله تعالی و رسولش برای آن فضیلت قائل بودند، گروه دیگر دوست داشتند تا نظیر آن را انجام دهند و این رقابتی بود که باعث تقرب به الله متعالی می‌شد، همان گونه که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾ [المطففين: 26] (و پس در آن رقابت کنندگان با یکدیگر رقابت کنند).

مراتب حسادت

مرتبه‌ی اول: شخص آرزو می‌کند تا نعمت از دیگری گرفته شود و این گونه عمل می‌کند و کوشش می‌نماید که از راه‌های حرام و ستمگرانه با تمامی توان خود به شخص حسادت شده، بدی نماید و این نهایت خباثت، فرومایگی و رذالت است. این حالت به طور غالب در حسادتها ایجاد می‌گردد، مخصوصاً

بیماری حسادت و درمان آن // 33

وقتی که در یک خصوصیت افراد زیادی وجود داشته باشند و بیشتر در طلب کنندگان منصب و جاه اتفاق می افتد.

دوم: آرزوی از بین رفتن نعمت را می کند و آن را دوست دارد و این وقتی است که آن نعمت به وی نمی رسد و این نهایت خباثت است، ولی خباثت آن کمتر از حالت اول است.

سوم: در درونش رغبت به از بین رفتن نعمت از دست شخص

34 // بیماری حسادت و درمان آن

حسادت شده دارد و آرزو می‌کند تا نعمت از دست او خارج شود و به او یا شخص دیگری برسد، ولی با نفسش جهاد می‌کند و از ترس از الله تعالی از آزار دادن حسادت شده، خودداری می‌کند و از ظلم کردن به بندگان الله متعال کراهت دارد و کسی که این گونه رفتار نماید، از شر بدبختی حسادت در امان خواهد بود و خود را از مجازات در آخرت حفظ نموده است، ولی شایسته‌ی اوست که

بیماری حسادت و درمان آن // 35

نفسش را درمان کند و از این بیماری پاک شود.

چهارم: آن که آرزو داشته باشد تا نعمت از شخصی گرفته شود و آن برای دشمنی است که دارای سبب شرعی می‌باشد. به طور مثال نعمتی در دست ظالمی باشد که توسط آن ظلم می‌نماید و آرزو شود که آن نعمت از بین برود تا مردم از شر او در امان بمانند. همچنین به مانند فاسقی که دارای نعمتی باشد که به فسق و

36 // بیماری حسادت و درمان آن

بی‌بندوباری او کمک کند و آرزو شود تا آن نعمت از بین برود تا بندگان و سرزمین‌ها از شرّ آن ستمگر و تجاوزگر در امان بمانند. این حسادت نکوهش شده‌ای نمی‌باشد، با آن که در تعریف حسادت قرار دارد و در این حالت ستایش شده نمی‌باشد، چرا که ممکن است عملی صورت گیرد که ظلم و دشمنی را زیاد کند و آن ظالم به پلیدی خود بیافزاید.

بیماری حسادت و درمان آن 37//

پنجم: شخص آرزو نمی‌کند که نعمتی از دیگری گرفته شود، ولی آرزو می‌کند تا خودش به مانند آن را داشته باشد و اگر به مانند آن دست یابد، آرام می‌شود و احساس راحتی می‌کند و اگر آن به دست وی نرسد، آرزو می‌کند تا نعمت از دست حسادت شده خارج شود، تا آن که هر دو یکسان شوند و طرف مقابل برتری نیابد.

38 // بیماری حسادت و درمان آن

ششم: به مانند آن نعمت را برای خود آرزو می‌کند و دوست می‌دارد و اگر به آن دست نیافت، از بین رفتن آن را آرزو نمی‌نماید. این نوع حسادت ایرادی ندارد و در نعمتهای دنیوی مثل مال و جاه مباح است و اگر نعمت دینی باشد، مانند علم شرعی و عبادت دینی، پسندیده می‌باشد. مانند غبطه خوردن به کسی که صاحب مال حلال می‌باشد و او آن را در راه حق چه واجب و چه مستحب

بیماری حسادت و درمان آن // 39

مصرف می‌کند. این از بزرگترین دلایل برای ایمان شخص است و از عظیم‌ترین انواع احسان می‌باشد و این چنین است که شخصی الله تعالی به او حکمت و علم داده است و به او توفیق داده است تا آن را انتشار دهد. همان گونه که در حدیث آمده است: «لا حسد إلا فی اثنتین رجل آتاه الله مالاً فسلطه علی هلکته فی الحق، ورجل آتاه الله الحکمة فهو یقضى بها ویعلمها» (حسادت جایز نمی‌باشد،

40 // بیماری حسادت و درمان آن

مگر در دو چیز: مردی که الله [متعال] به او مالی داده است و او در راه حق آن را مصرف می‌کند و مردی که الله [متعال] به او حکمت داده است و او توسط آن حکم می‌کند و آن را آموزش می‌دهد) [متفق علیه]. لاین دو نوع از احسان هستند که چیزی معادل آنها نمی‌باشد؛ مگر آن که با وسوسه - های شیطانی و شرّهای درونی همراه شود و شخص را به خطری برساند که همان فاسد شدن عملش است، به

بیماری حسادت و درمان آن // 41

مانند آن که به خودش بگوید: من از آن شخص به این امر سزاوارتر هستم - باشم و این اعتراض به حکمت الله تعالی و قسمت نمودن نعمتها توسط وی می باشد و جایز نیست که صورت گیرد.

فرق بین رقابت و حسادت

اگر در مردم نگرسته شود، رقابت بین آنها در خیر ایرادی ندارد،

42 // بیماری حسادت و درمان آن

بدین گونه که دو نفر در امری مطلوب و محبوب رقابت می‌کنند و هر کدام می‌خواهد که به آن برسد و این همراه کراهیت داشتن از این است که دیگری بر او برتری یابد، مانند دو نفر که با هم مسابقه می‌دهند و هر کدام از آن دو می‌خواهد از دیگری جلو بیافتد.

رقابت به طور مطلق نکوهیده نیست، بلکه آن در امور خیر ستایش شده نیز می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ

بیماری حسادت و درمان آن // 43

يَنْظُرُونَ * تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ
النَّعِيمِ * يُسْقُونَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ *
خِتَامُهُ مِسْكٌَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ
الْمُتَنَافِسُونَ ﴿ [المطففين: 22 - 26]

(بی‌گمان نیکوکاران در نعمتهای زیاد
هستند * در حالی که بر تختها
[نشسته‌اند]، می‌نگردند * شیرینی
نعمت را در چهره‌هایشان می‌بینی *
از شراب نابِ مُهر زده، نوشانده می‌شود -
شوند * مُهر آن از مشک است، پس
[کسانی که] رقابت می‌کنند، در آن

44 // بیماری حسادت و درمان آن

رقابت نمایند). این موافق با حدیث پیامبر ﷺ است که از حسادت نهی فرمود، مگر به کسی که علم ی به او داده شده باشد و او به آن عمل کند و آن را آموزش دهد و کسی که مالی به او داده شده باشد و او آن را انفاق نماید.

اما کسی که به او علم ی داده شده باشد و به آن عمل ننماید و آن را آموزش ندهد یا کسی که مالی به او داده شده است و آن را در راه اطاعت

بیماری حسادت و درمان آن // 45

از الله تعالی انفاق نکند، حسادتی نسبت به او وجود ندارد و آرزو نمی-شود که شخص به مانند او شود، زیرا وی در امور خیر قدم بر نمی‌دارد که به آن رغبت نشان داده شود، بلکه او خود را در معرض عذاب قرار می-دهد.

این چندین بوده است حال ابوبکر صدیق رضی الله عنه که برتر از بقیه بود و در رقابت بود و به حالت بقیه نمی-نگریست. همچنان بین موسی علیه السلام در

46 // بیماری حسادت و درمان آن

حدیث معراج با پیامبر ﷺ رقابت نمود و به او غبطه خورد، تا آنجا که چون پیامبر ﷺ از او جلو زده بود، گریه نمود، به او گفته شد: چه چیز تو را به گریه انداخت؟ گفت: «گریه می‌کنم چون جوانی بعد از من برانگیخته شده است و تعداد امت او که داخل بهشت می‌شوند، بیشتر از تعداد امت من است که داخل بهشت می‌شوند» [رواه البخاری (بخارایی) و مسلم].

بیماری حسادت و درمان آن // 47

یک قاعده: کسی که نزد او در امور خیر کوشش وجود داشته باشد و به رقابت و غبطه خوردن مشغول نشود، برتر از آن است که دارای رقابت و غبطه خوردن باشد، مانند ابو عبیده جراح رضی الله عنه و مانند او، آنها از غبطه خوردن و رقابت سالم بودند و اگر این امر مباح بود، ابو عبیده رضی الله عنه سزاوارتر به این امر بود، زیرا او امانت‌دار این امت بود؛ کسی که به او امانت سپرده می‌شود و در خودش

48 // بیماری حسادت و درمان آن

مشکلی برای آنچه به او امانت داده شده است، نبیند، سزاوارتر به امانت داری از کسی است که در خودش مشکلی می بیند.

انس رضی الله عنه آورده است: ما نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم و او فرمود: «یطلع علیکم الآن من هذا الفج رجل من أهل الجنة» (حالا از این راه مردی از اهل بهشت بر شما نمایان می شود) گفت: در همان هنگام مردی از انصار که آب وضو از ریشش می چکید، نمایان

بیماری حسادت و درمان آن // 49

شد...» تا آخر حدیث [و علت بهشتی بودن آن مرد این بود که هرگز به مسلمانی حسادت نمی‌کرد]. [رواه أحمد]. شخص حسود، از آنچه که الله تعالی به دیگری داده است، خشمگین می‌شود و این از روی ظلم و تجاوز است و کراهت دارد که دیگری بر او برتری یابد و از این امر نهی شده است، مگر در چیزی که باعث تقرب به الله تعالی می‌شود و اگر دوست داشته باشد که از آنچه باعث تقرب به

50 // بیماری حسادت و درمان آن

الله تعالی می‌شود، به او نیز داده شود، ایرادی ندارد و باید قلب خود را از این باز دارد که به کسی که برتر از او می‌باشد، نگاه نکند.

گاهی گروهی اشتباه می‌کنند و می‌پندارند که رقابت در امور خیر، حسادت است، ولی امر این گونه نمی‌باشد، زیرا رقابت رسیدن به چیزی است که در شخص برتری دارنده وجود دارد و با ضرر رساندن به وی نمی‌باشد، ولی حسادت

بیماری حسادت و درمان آن // 51

رساندن ضرر می‌باشد و در نهایت این گونه است که برتری که در شخصی که برتری دارد از او گرفته شود و به کسی که برتری ندارد، داده شود [وای در رقابت شخص نمی‌خواهد که برتری از شخص برتری دارنده گرفته شود] و این فرق بین رقابت و حسادت وجود دارد. روایت شده است که پیامبر ﷺ فرموده است: «المؤمن يغبط والمنافق يحسد»

52 // بیماری حسادت و درمان آن

(مؤمن غبطه می خورد و منافق حسادت می کند).

مکم حسادت

حسادت مرضی از مرضهای روحی است و غالباً وجود دارد و کسی از آن راحت نمی شود، مگر عدهی کمی از مردم؛ به همین دلیل گفته شده است: بدن از حسادت جدا نمی شود، ولی انسان پست آن را

بیماری حسادت و درمان آن // 53

آشکار می‌کند و انسان گمراهی آن را مخفی می‌دارد.

حسادت نکوهیده و مذمت شده

است تا آنجا که الله تعالی به فرستاده-

اش امر فرموده است که از شرّ حسود

به او پناه ببرد، همان گونه که امر

فرموده است که از شرّ شیطان پناه

بخواهد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمِنْ

شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾ [الفلق: 5] (و از

شرّ حسود، وقتی حسادت می‌کند) و

با سخن حال با شرّ معرفی نمودن آن،

54 // بیماری حسادت و درمان آن

از آن نهی فرموده است. از روی حسادت بود که ابلیس لعنت شد و شیطانی رانده شده قرار داده شد.

در هم بین راستا درجه‌ی بسیاری بد و بزرگی به حسادت داده شده است، تا آنجا که رسول ﷺ درباره‌ی آن فرموده است: «الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب» (حسادت نیکی‌ها را می‌خورد، همان گونه که آتش، هی‌زم را می‌خورد) [رواه أبو داود و ابن ماجه].

بیماری حسادت و درمان آن // 55

اگر حسادت قوی شود تا آنجا که آن با عمل یا سخن آشکار شود، به طوری که از اعمال ظاهری و اختیاری معلوم شود، آن شخص حسود و نافرمان است. اما افعالی مثل غیبت و دروغ که از حسادت نشأت می‌گیرند، خود حسادت نمی‌باشند.

واجب است که حلال بودن آن را فقط در انجام ندادن اعمال ظاهری که توسط آن ایجاد می‌شود، در نظر نگرفت، بلکه اگر در درون نیز دوست

56 // بیماری حسادت و درمان آن

داشته شود که نعمت از بین برود و کراهیتی از این عمل قلبی در درون وجود نداشته باشد، آن شخص حسود و نافرمان است، زیرا حسادت صفت قلب است و نه صفت عمل، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا﴾ [الحشر: 9] (و در سینه‌هایشان از آنچه می‌دهند، نیازی حس نمی‌کنند). همچنین الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً﴾ [النساء: 89] (دوست

بیماری حسادت و درمان آن // 57

دارند که کفر بورزید، همان گونه که کفر می‌ورزند و شما در آن یکسان باشید). الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ﴾ [آل عمران: 120] (اگر نیکی به شما برسد، ناراحت می‌شوند).

حسادتی که محل آن قلب است و در اعضای بدن ظاهر نمی‌شود را نباید حلال دانست، بلکه آن گناهی بین شخص و بین الله تعالی می‌باشد. عده‌ای گفته‌اند که اگر حسادت در

جوارح ظاهر نشود، شخص مرتکب گناهی نشده است. از حسن بصری روایت شده است که از او درباره‌ی حسادت سوال شد و او گفت: «آن را بپوشان و اگر آن را آشکار نکنی، ضرری به تو نمی‌رساند». اما وقتی این کراهت [از وجود نعمت] از جهت دین و عقل باشد و دوست داشتن از بین رفتن نعمت نزد دشمن وجود داشته باشد، زیرا عدم وجود نعمت باعث می‌شود تا او ستم نماید و آزار

بیماری حسادت و درمان آن // 59

ندهد، شکل دیگری از آن است. ولی تمامی آنچه درباره‌ی نکوهش حسادت وجود دارد، ظاهر آن بیان می‌دارد که حسود، مرتکب گناه شده است و بعد از آن، آمده است که آن صفت عمل قلب است و از اعمال ظاهری نمی‌باشد. اگر جلوی ظاهر گرفته شود و در قلب از دوست داشتن از بین رفتن نعمت، کراهت وجود داشته باشد، تا آن که بر نفس خشم گرفته شود، این کراهت [نسبت

60 // بیماری حسادت و درمان آن

به حسادت نمودن خود] از طرف عقل است و در مقابل انحراف از مسیر می‌باشد.

در حسادت، ضرر برای بدن و فاسد شدن دین وجود دارد و در آن تجاوز و آزار دادن نسبت به مسلمان وجود دارد که الله تعالی و رسولش ﷺ از آن نهی کرده‌اند. حسادت به طور کل حرام است، مگر در نعمتی که به شخصی بی‌بندوبار یا کافر داده شود و از آن برای ایجاد فتنه و فساد بر روی

بیماری حسادت و درمان آن // 61

زمین و آزار مخلوقات استفاده کند، در این حالت است که کراهت از وجود آن نعمت و دوست داشتن از بین رفتن آن ضرری به شخص نمی‌رساند. این گونه نمی‌باشد که شخص دوست داشته باشد که نعمتی از بین برود، بلکه می‌خواهد آلت فساد از بین برود و اگر شخص فاسد، از فساد دست بکشد، عذری و اجازهای در حسادت وجود نخواهد داشت و به معنای گناهی است که از راحتی

62 // بیماری حسادت و درمان آن

مسلمانی کراحت داشتن می باشد، در حالی که آن ضرری برای کسی ندارد.

یکی از پیش پینیان گفته است:

«حسادت اولین امری است که توسط

آن گناه در آسمان صورت پذیرفت، به

این معنا که ابله یس به آدم علیه السلام

حسادت کرد [و بعد به گناه افتاد] و

اولین امری است که توسط آن گناه در

روی زمین صورت گرفت، به این معنا

که فرزند آدم به برادرش حسادت کرد

و او را به قتل رساند».

سبب‌هایی که باعث ایجاد

حسادت می‌شود

اینجا سبب‌های ایجاد حسادت را جمع آوری نموده‌ایم و ممکن است یکی از آنها در شخصی پیدا شود و یا چندتایی از آنها در شخص وجود داشته باشد.

1- دشمنی، بغض نمودن و

کینه داشتن (این سببی است که در

حسادت کننده وجود دارد): لاین از

64 // بیماری حسادت و درمان آن

شدیدترین سبب‌های حسادت است و اصل حسودی در دشمنی داشتن، به وجود می‌آید و علت اصلی دشمنی، زیاد شدن افراد برای رسیدن به یک هدف است. وقتی هدف یکی می‌شود، دو نفر که از یکدیگر دور می‌باشند، نمی‌توانند هر دو به آن هدف برسند، حتی اگر دارای مطابقت باشند و به همین دلیل حسادت بین آنها زیاد می‌شود. حسادت نتیجه‌ی کینه است و میوه‌ای از میوه‌های آن می‌باشد. وقتی

بیماری حسادت و درمان آن // 65

کینه ایجاد می‌شود، انسان آرزوی از
بدین رفتن نعمت می‌نماید و از آن
شخص بدگویی می‌کند و خیرچینی
می‌نماید و به حد و حدود او تجاوز
می‌کند و وقتی بلایی به او می‌رسد،
خوشحال می‌شود، اگر نعمتی به آن
شخص برسد، غصه می‌خورد و برای
آن دچار گناه می‌شود و این از اعمال
منافقان است. پناه بر الله.

2- ضعیف بودن ایمان و

برتری جویی (این سببی است که بر
شخص حسادت کننده اثر می‌گذارد):

اگر کسی از همکاران به مقام یا

مالی برسد، می‌ترسد که بر او تکبر

نماید و او نمی‌تواند تکبر و افتخار او

را ببیند. تکبر و برتری جویی بیشترین

عامل حسادت کافران به رسول صلی الله علیه و آله

بود، می‌گفتند: چگونه می‌شود، جوانی

یتیم بر ما برتری داشته باشد و

رئیسان ما در مقابل او فرمانبردار

بیماری حسادت و درمان آن // 67

شوند و گفتند: ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقُرَيْتَيْنِ عَظِيمٍ﴾ [الزخرف: 31] (و گفتند: پس چرا این قرآن بر مردی بزرگ از دو سرزمین نازل نشده است؟).

3- تکبر، فخر فروشی و

خودستایی (لین سببی است که از طرف شخص حسادت شده می باشد):

در درون او تکبر بر حسود

وجود دارد و او را تحقیر می کند و او

را کوچک می شمارد و او را به کار

68 // بیماری حسادت و درمان آن

می‌گیرد و وقتی مقامی به او می‌رسد، می‌ترسد که نتواند تکبر او را تحمل کند.

4- به شگفت آمدن (این سببی

از طرف شخص حسودی کننده ه می -

باشد): همان گونه که الله تعالی

درباره‌ی امتهای گذشته ه می فرماید:

﴿قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا﴾ [یس:

15] (ه می گفتند: شما فقط بشری

هستید، مثل ما) در نتیجه تعجب می -

کردند که شخصی از انسانها به مرتبه‌ی

بیماری حسادت و درمان آن // 69

پیامبری رسیده باشد و به او وحی شود و نسبت به الله تعالی تقرب یابد و این در حالی بود که آنها انسانی مثل حسادت کننده‌ها بودند و در نتیجه به آنها حسودی می‌شد و دوست داشتند که نعمت آنها، از بین برود.

5- ترس از زیاده بودن

اشخاص برای یک هدف و این وقتی است که کسانی که در طلب مقام یا اموال هی باشند، دارای یک هدف باشند: این مخصوص کسانی است که

70 // بیماری حسادت و درمان آن

تعدادشان زیاد باشد و دارای یک هدف باشند، مانند چند زن وقتی که در طلب رضایت یک شوهر هستند یا چند دانش‌آموز در برابر یک استاد و چند برادر و خواهر که می‌خواهند به نزد پدر و مادرشان به منزلت برسند و این برای کسانی است که دارای یک هدف در کرامت و مال هستند و این چنین است خادمان یک پادشاه که می‌خواهند در قلب او منزلت یابند.

بیماری حسادت و درمان آن // 71

تاجر به تاجر حسودی می‌کند،
صنعتگر به صنعتگر حسادت می‌کند،
نجار به نجار حسودی می‌کند،
کشاورز به کشاورز حسودی می‌نماید،
کسانی که در طلب جاه و مقام
حکومتی هستند، بعضی به بعضی دیگر
حسودی می‌کنند و به مانند این موارد
زیاد هستند و می‌گویند: دشمن
شخص کسی است که عمل او را انجام
می‌دهد.

1172 // بیماری حسادت و درمان آن

حسادت به بین کسانی که بر رئیس بودن یا مالی رقیب یکدیگر هستند، زیاد ایجاد می‌شود، زیرا اگر به یکی از آنها برسد، دیگران آن را از دست می‌دهند. بین کسانی که هم رتبه می‌باشند، وجود دارد، زیرا کراهت می‌ورزند که یکی بر دیگران برتری یابد، مانند برادران یوسف و حسودی پسر آدم به برادرش، به او حسودی نمود، چون الله تعالی قربانی او را قبول نموده بود و قربانی خودش را

بیماری حسادت و درمان آن // 73

قبول ننمود و همچنان بین الله متعال در ایمان و تقوا او را برتری داده بود، حسودی نمود - مانند حسودی یهودیان به مسلمانان - و به همین دلیل او را به قتل رساند؛ به همین دلیل گفته شده است: اولین نافرمانی که باعث گناه در نزد الله تعالی شد، به سه دلیل بوده است: حریص بودن، غرور و حسادت، آدم حریص شد، ابلیس تکبر نمود و قاییل به هابیل حسودی کرد و او را به قتل رساند.

1174 // بیماری حسادت و درمان آن

حسادت در مقام و اموال زیاد است و اگر برای دیگران سروری و ریاست به دست بیاید، حسودی ایجاد می‌شود و مگر چیزی که به طور عادی وجود داشته باشد و آن وقتی است که خوردنی و نوشیدنی و ازدواج در نزد شخصی بیشتر وجود داشته باشد. بر خلاف دو چیز که علم و مال هستند و کسانی که صاحب آن می‌باشند، بسیار مورد حسودی واقع می‌شوند؛ به همین دلیل در بین اهل

بیماری حسادت و درمان آن // 75

علم کسانی که پیروان بیشتری دارند، حسادتی در بین آنها وجود دارد که در دیگران وجود ندارد، همچنان که کسانی که به سبب انفاق کردن مالشان دارای تبعیت کنندگان بیشتری هستند و توسط آن با قدرت قلبشان به دیگران نفع می‌رسانند و این وقتی است که به آنها قوت بدنهایشان سود می‌رساند و مردم به آنها نیازمند می‌باشند تا موجب اصلاح آنها شوند. به همین دلیل مردم خانه‌ی عباس رضی الله عنه را

1176 // بیماری حسادت و درمان آن

بزرگ می‌داشتند: زی را عبدالله رضی الله عنه به مردم علم می‌آموخت و برادرش به مردم غذا می‌داد و به همین دلیل آنها را بزرگ می‌شماردند. وقتی معاویه رضی الله عنه مردم را دید که از ابن عمر رضی الله عنهما درباره‌ی عبادت‌هایشان سوال می‌کردند و او به آنها فتوا می‌داد، گفت: این قسم به الله شرف است یا به مانند آن.

6- دوست داشتن ریاست و

طلب جاه برای خود، در حالی که به

بیماری حسادت و درمان آن 77

هدف رسیده نشود و نیت دینی برای آن وجود نداشته باشد: به مانند شخصی که نمی‌خواهد به مانند خود در هنری از هنرها کسی وجود داشته باشد و دوست می‌دارد تا ستایش و مدح شود و شادی از ستایش شدن در وی وجود دارد و اگر بشنود که شخصی به مانند او در جایی از جاهای زمین وجود دارد، ناراحت می‌شود و دوست دارد که آن شخص بمیرد و یا نعمت او از بین برود تا

کسی در آن منزلت در شجاعت یا علم یا صنعت یا زیبایی یا ثروت و مانند آن وجود نداشته باشد.

7- خباثت نفس و دوست

داشتن شرّ توسط آن و حرص و آز داشتن به خیری که در نزد مردم می- باشد: کسی که دارای این صفات باشد و حرص و آز داشته باشد، در برابر فضیلت‌ها خسیس می‌باشد و چیزی در وی وجود ندارد که از آن حسودی جلوگیری کند و در دستش چیزی

بیماری حسادت و درمان آن // 79

نمی‌باشد که آن را دفع نماید؛ زیرا آنها چیزهایی است که الله تعالی به هر که بخواهد آن را می‌بخشد و چنین فردی به الله وَعَلَيْكُمْ از برای حکم نمودنش خشم می‌ورزد و به آنچه به دیگران عطا می‌فرماید، حسودی می‌کند، حتی اگر الله وَعَلَيْكُمْ به او نعمت بیشتری داده باشد و عطای وی وَعَلَيْكُمْ نزد او آشکارتر باشد.

اگر نزد چنین شخصی یاد شود که به مردم آشوب و سختی رسیده است و آنها به هدفشان نرسیده‌اند و

80 // بیماری حسادت و درمان آن

زندگی آنها تیره شده است، چهره‌ی آنها بشاش می‌شود و از آن سخن شاد می‌شود و خوشحال می‌گردد و گاهی خود را دلسوز و ناراحت نشان می‌دهد و این در حالی است که از پشت نمودن نعمت به دیگران خوشحال می‌شود و به نعمتهایی که الله تعالی به بندگانش می‌دهد بخل می‌ورزد و آنچه را که الله تعالی به مردم داده است، به مانند این است که از مال و انبار او برداشته شده است، حتی اگر با

بیماری حسادت و درمان آن // 81

شخص حسودی شده، دشمنی نیز وجود نداشته باشد. این دلیلی ندارد، مگر فرورفتن در خباثت، رذالت، پستی و فرومایگی که در سرشت آن انسان پست به وجود آمده است؛ درمان چنین شخصی سخت است، زیرا او بسیار ظالم و جاهل می‌باشد و چیزی درون او را شفا نمی‌دهد و چیزی حسودی او را بر طرف نمی‌کند، مگر از بین رفتن نعمت از کسی که به او حسودی می‌کند و در این

82 // بیماری حسادت و درمان آن

هنگام است که دارویی برای او سود نمی‌دهد و احساس بزرگی نیز ندارد. درباره‌ی چنین شخصی گفته شده است:

وکل أداویه علی سوی حاسدی
وکیف یداوی إذا کان لا یرضیه
این نوع حسادت عمومی‌تر و
خبیث‌تر است و برای کسی که به آن
گرفتار می‌شود، راحتی و رضایتمندی
وجود ندارد، مخصوصاً اگر با این شرّ
بودن قدرتی همراه باشد، هلاکت به

بیماری حسادت و درمان آن // 83

وجود می آورد و انتقام می گیرد و اگر همراه این شرّ بودن ناتوانی وجود داشته باشد دچار بیماری می شود.

عبد الحمید گفته است:

«حسود در کوششش به مانند نوشنده‌ی سم است، اگر سم در او سرایت کند، کوشش او از بین می‌رود». ولی سبب‌های دیگر امکان معالجه‌ی آنها وجود دارد.

8- به وجود آمدن فضیلت و

نعمت در کسی که به او حسودی

84 // بیماری حسادت و درمان آن

می‌شود: به این شکل که شخص حسود احساس ناتوانی می‌کند و کراهت دارد از این که از او پیشی گرفته شود و به همین دلیل حسودی می‌کند تا آن نعمت از شخص حسودی شده گرفته شود، این حالت عادی آن است و کسی در این حالت حسودی نمی‌کند، مگر آن که با شخصی که حسودی به وی صورت گرفته است، هم رتبه و هم منزلت باشد و فقط حسودی از کسی صورت

بیماری حسادت و درمان آن // 85

می‌گیرد که بالا رفته باشد. این با
حالتی از رقابت آمیخته است، ولی
وقتی ناتوانی در رقابت حس شود،
حسودی به وجود می‌آید.

بدانید! به اندازه‌ی فضیلت
انسان و آشکار شدن نعمتش، در نزد
مردم حسادت ایجاد می‌شود، هر چه
فضیلت او بیشتر باشد، حسادت به او
نیز بیشتر می‌شود و اگر فضیلت کم
شود، حسادت کم می‌شود؛ زیرا
آشکار شدن فضیلت باعث ایجاد

86 // بیماری حسادت و درمان آن

حسادت می‌شود و به وجود آمدن نعمت آن را زیاد می‌کند. به همین دلیل رسول الله ﷺ فرموده است: «استعینوا علی قضاء الحوائج بسترها فإن کل ذی نعمه محسود» (کمک بطلبید که برآورده شدن نیازها، مخفی باشد، زیرا هر دارای نعمتی مورد حسادت واقع می‌شود).

عمر بن خطاب رضی الله عنه گفته است:

نعمتی نیست که الله [تعالی] به شخصی دهد، مگر آن که الله [متعال] برای آن

بیماری حسادت و درمان آن // 87

شخص حسودی قرار می‌دهد، اگر
شخص از ظرف محکم‌تر بود، این
عدم چشم‌پوشی از بین نمی‌رفت.
شاعر گفته است:

إن يحسدونی فإنی

قبلی من الناس

فدام لی ولهم هـ ا

وما أكثرنا غیظاً

9- دوست داشتن دنیا: منشأ به

وجود آمدن پیشی گرفتن از دیگران، دوست داشتن دنیا است و دنیا مالین گونه است که عرصه را بر کسانی که خواهان آن هستند تنگ می‌کند، در حالی که این تنگی در آخرت وجود ندارد.

10- دوست داشتن تسلط

یافتن بر دیگران:

11- همنشینی و آمد و رفت.

بیماری حسادت و درمان آن // 89

12- شدید شدن ستم و زیاد

شدن خودستایی (این سببی است با
شخص حسادت شده ایجاد می‌گردد).

13- شدت خسیسی (این

سببی است که حسادت شده باعث آن
است).

14- برای شخص بزرگی و

ریاست وجود داشته باشد.

15- شخص حسود در تبعیت

کس دیگری نباشد.

16- سخن شخص حسودی

کننده قبول شود و از آن تبعیت صورت گیرد.

17- حسود دوست نداشته

باشد که کسی از او بالاتر باشد.

18- کراهیت داشتن از این

که منزلت حسادت شده بالا رود.

19- ریا و دوست داشتن

منزلت و ریاست و حسودی کننده

خود را بالاتر از دیگران ببیند.

20- خشم.

* * *

اثرهای حسادت و ضررهای آن برای شخص مسودی کننده و اجتماع

1- از بین رفتن دین: روایت

شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «دب

إلیکم داء الأمم قبلکم البغضاء

والحسد هی الحائقة حائقة الدین لا

حائقة الشعر والذی نفسی بیده لا

92 // بیماری حسادت و درمان آن

تؤمنوا حتی تحابوا ، ألا أنبئکم بأمر
إذا فعلتموه تحاببتم أفشوا السلام
بینکم» (در بین شما بیماری امتهای
قبل از شما سرایت پیدا می‌کند [و
آنها] بغض ورزیدن و حسادت هستند،
آن تراشیده شدن دین است و نه
تراشیده شدن مو و قسم به کسی که
جان من در دست اوست، ایمان نمی-
آورید تا آن که یکدیگر را دوست
داشته باشد، آیا شما را از امری باخبر
نکنم که اگر آن را انجام دهید، محبت

بیماری حسادت و درمان آن // 93

بین شما زیاد بشود، آن انتشار دادن سلام ب بین خودتان است) [رواه الترمذی].

2- عدم ایمان کامل: پی امبر ﷺ

فرموده است: «لا یجتمع فی جوف عبد غبار فی سبیل الله و فیح جهنم، ولا یجتمع فی جوف عبد الإیمان والحسد» (در یک بنده، غبار در راه الله [تعالی] و شدت گرمای جهنم یکجا جمع نمی شود و در درون بنده ایمان و حسادت یکجا جمع نمی شود)

94 // بیماری حسادت و درمان آن

[رواه ابن حبان والبيهقي]. چيزی که باید از این حدیث فهمیده شود این است که ایمان راستین و کامل حکم می‌کند که افعال الله تعالی از روی حکمتش می‌باشد، ولی حسادت باعث ایجاد اعتراض به فعل الله تعالی و حکمت او می‌شود.

3- از بین رفتن خیر و زیاده

شدن بغض و رزیدن در اجتماع:

پیامبر ﷺ فرموده است: «لا يزال الناس

بخير ما لم يتحاسدوا» (مردم دائماً در

بیماری حسادت و درمان آن // 95

خیر خواهند بود تا زمانی که به یکدیگر حسودی نکنند) [رواه الطبرانی]. معنای آن - والله أعلم - این است که اگر به یکدیگر حسادت ورزند، خیر از دست آنها خارج می‌شود. چگونه می‌شود که خیر از دست آنها خارج نشود، در حالی هر کدام از آنها آرزو می‌کند که خیر از دست دیگری خارج شود.

4- ایجاد خشم الله تعالی و

سنگین شدن بار گناه: ایراد گرفتن از

96 // بیماری حسادت و درمان آن

الله تعالی باعث خشم وی عَلَيْكَ می شود و مخالفت کردن با حکم نمودنش است که از روی عدالت می باشد و نعمت دادن او به مردم از روی سزاوار بودن آنها است، باعث سنگینی بار گناه می شود. به همین دلیل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «الحسد يأكل الحسنات كما تأكل النار الحطب» (حسادت نیکی ها را می خورد، همان گونه که آتش هیزم را می خورد) [رواه ابو داود وابن ماجه] عبد الله بن معتمر گفته

بیماری حسادت و درمان آن // 97

است: حسود به کسی که گناهی ندارد خشم می‌ورزد و آنچه را که مالک آن نمی‌باشد به آن بخل می‌ورزد و در طلب چیزی می‌باشد که آن را به دست نمی‌آورد.

5- خشم مردم به حسود و

دشمنی آنها با وی: تا جایی که بین آنها محبت باقی نمی‌ماند و بیماری رسانی در بین آنها قطع می‌شود و اثر آن حسادت، ایجاد دشمنی بین آنها است و خشمگین بودن تمام زندگی

98 // بیماری حسادت و درمان آن

آنها می‌شود، به همین دلیل پیامبر ﷺ فرموده است: «شر الناس من يبغض الناس ويبغضونه» (شرترین مردم کسی است که به مردم بغض می‌ورزد و آنها به وی بغض می‌ورزند) [رواه الحاكم وابن عدی والعقيلي].

6- پایین آمدن منزلت و از

بین رفتن ارزش کسی که حسودی می‌کند: زیرا مردم از وی روی بر می‌گردانند و از او نفرت پیدا می‌کنند، همان گونه که در منشور الحکم گفته

بیماری حسادت و درمان آن // 99

شده است: «حسود آقا و بزرگ نمی-
شود».

7- باقی ماندن حسرت،
بیماری و اندوه برای حسودی کننده
و کم شدن عمل او: حسرت‌های او
انتها ندارد و شفائی برای بیماری او
یافت نمی‌شود ابن معتر گفته است:
حسادت بیماری بدن است. أصمعی
گفته است: به یک بادیه نشین گفتم:
چه چیزی عمر تو را طولانی کرده
است؟ گفت: حسادت را ترک کردم و

100 // بیماری حسادت و درمان آن

[سالم] باقی ماندم. غم همان چیزی است که حسود می‌کُشد و آن وقتی است که مورد حسادت قرار گرفته صبر می‌نماید. یک حکیم ی گفته است: همین برای حسود کافی است که در زمان شادی، دچار اندوه می‌شود. در منثور الحکم گفته شده است: مجازات حسود در درون اوست. یک ادیبی گفته است: ظالمی را شبیه‌تر به مظلوم از حسود ندیده‌ام، زجر او دائمی است و غم دائماً همراه او است

بیماری حسادت و درمان آن // 101

و قلب او حیران است. شاعری گفته است:

إن الحسود یخاله من یراه
ذا نفس دائم یظهر منها ما کان
معاویة رضی الله عنه گفته است: در
خصوصیات شرّ عادل تر از حسادت
وجود ندارد، حسود را می کشد، قبل
از آن که به شخص حسودی شده
چیزی برسد. عبد الله بن معتر رحمه
الله تعالی گفته است:

اصبر علی کید د فاین صبرک

فالنار تأکل إن لم تجد ما

8- عدم نفع بردن توسط

حسود: مردی به شریح قاضی گفت:

من در آنچه در تو در صبر بر

دشمنانت و ایستادنت در برابر حکم

دشوار وجود دارد، حسودی می‌کنم.

گفت: الله [تعالی] توسط آن سودی به

تو نمی‌رساند و ضرری نیز به من

نمی‌رسد.

بیماری حسادت و درمان آن // 103

9- حسادت نوعی دشمنی با

الله تعالی و اعتراض نمودن به تقسیم نمودن نعمت توسط وی و دیگر اعمال او می باشد.

10- حسود با قضا و قدر الله

تعالی و آنچه دوست دارد یا از آن کراهت می ورزد، تضاد دارد.

11- حسود به هر نعمتی که

در نزد دیگران آشکار شود، بغض می ورزد.

12- حسود بر تقسیم نمودن

[نعمت] توسط الله تعالی خشمگین

می شود.

13- حسود به بخشش الله ﷻ

بخیل می باشد.

14- حسود دوست الله تعالی

را خوار می گرداند.

15- حسود به دشمنش ابله

که الله تعالی او را لعنت فرموده است،

کمک می کند.

16- حسود در مجالس حاضر

نمی‌شود، مگر نکوهیده و ذلیل و چیزی به او نمی‌رسد، مگر لعنت و غضب و به خلوتی نمی‌رود، مگر آن که همراه او بی‌تابی می‌باشد و در هنگام جدا شدن روح از بدن به چیزی نمی‌رسد، مگر سختی و ترس و در موضع‌گیری به چیزی نمی‌رسد، مگر آبرو ریزی و بدنامی و به آتشی نمی‌رسد، مگر دارای حرارت و احتراق.

17- حسود به واسطه‌ی

مصیبتی که به شخص حسودی شده
می‌رسد، خوشحال می‌شود.

18- حتی اگر شخص حسودی

شده به حسود روی کند و در طلب
او باشد، باز هم شخص حسود از او
دوری می‌کند و با او قطع رابطه
می‌نماید.

19- حسود به شخص حسودی

شده دست درازی می‌کند، تا او را
کوچک کند.

بیماری حسادت و درمان آن // 107

20- حسود درباره‌ی شخص

حسودی شده، چیزهایی می‌گوید که حلال نیست، مانند: دروغ، غیبت، آشکار کردن اسرار و پرده حرمت را دریدن و دیگر مسائل.

21- حسود درباره‌ی شخص

حسودی شده مسائلی را بیان می‌دارد تا او را به استهزاء بگیرد و او را مسخره کند.

22- حسود شخص حسودی

شده را با ضربه زدن آزار می‌دهد
که به بدن او دردی نمی‌رساند.

23- حسود برای شخص

حسودی شده از پرداخت قرض یا
صله‌ی رحم یا بر طرف کردن ظلم
کاری نمی‌کند.

24- حسود در گناه قرار دارد

و اجری [برای مصیبت خود] نمی‌برد.

25- نکوهش شده است و

مورد ستایش واقع نمی‌شود.

بیماری حسادت و درمان آن // 109

26- الله تعالى بر حسود خشم

می نماید.

27- دربهای توفیق یه افتن بر

حسود بسته می شود.

* * *

موضعگیری شخص مسودی شده

نسبت به شخص مسود

1- بازگشت به سوی الله

تعالی و تازه کردن توبه در مقابل الله

متعال، از گناهانی که باعث تسلط

دشمنانش بر او شده است.

2- توکل بر الله تعالی و گفتن:

«حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (الله برای

ما کافی است و نیکی نگهبانی می-

باشد).

بیماری حسادت و درمان آن // 111

3- پناه بردن به الله تعالی و

خواندن ذکرها و وردهای شرعی [و موجود در قرآن و سنت پیامبر ﷺ].

4- دعا و زاری به جانب الله

تعالی، تا آن که الله او را حفظ کند و از شر دشمنان و حسودان در امان بدارد.

5- با عدالت رفتار کردن با

شخص حسود و مقابله به مثل نکردن و بدی نکردن به وی و در حق او با

112 // بیماری حسادت و درمان آن

انصاف بودن و عدم ظلم نمودن به وی
به خاطر عملش.

6- نیکی کردن به شخص

حسود.

7- مدارا نمودن با حسود و

مهربانی کردن با وی.

8- از شرّ حسود به الله تعالی

پناه ببرد و در قلعه‌ی او وَعَلَيْكُمْ قرار بگیرد

و در پناه وی وَعَلَيْكُمْ باشد.

9- تقوا داشتن از الله تعالی و

محافظت نمودن از امر و نهی‌اش.

بیماری حسادت و درمان آن // 113

10- صبر داشتن بر دشمن و

جنگیدن با وی و شکایت نمودن از وی و مشغول نشدن به آزار دادن وی در هر حالتی.

11- راحت کردن قلب از

مشغولیت به آن و فکر نکردن درباره‌ی آن.

12- روی کردن به سوی الله

تعالی و اخلاص داشتن نسبت به او و در پی محبت و رضایتمندی او بودن و بازگشت به سوی وی در جاهای که

114 // بیماری حسادت و درمان آن

چیزی در دل می‌گذرد یا دل آرزویی می‌کند.

13- صدقه دادن و نیکی

نمودن در حد امکان.

14- خالص کردن توحید و

سپردن فکر، به کسی که مسبب

الاسباب است و دارای عزت فراوان و

با حکمت می‌باشد.

15- عدم باخبر کردن شخص

حسود از نعمتهایی که الله تعالی به او

داده است.

بیماری حسادت و درمان آن // 115

16- گرفتن آب از بدن

شخص حسودی کننده و ریختن آن بر روی شخص حسادت شده.

17- خواندن رقیق

شرعی (قرآن درمانی).

اگر انسان از طرف یکی از

حسودان مورد آزمایش قرار گرفت،

از شر او به الله تعالی پناه ببرد و در

مکر آن حسود از الله متعال طلب

حفظ شدن نماید و از سختی‌های

حسادتش خود را بر حذر دارد و از

116 // بیماری حسادت و درمان آن

رفت و آمد با وی [اگر از فامیل نبود]
دوری کند و برای درمان او اقدام
نماید و به دنبال دارویی برای وی
باشد. گفته شده است: «حسودی
کننده به نعمت، چیزی او را راضی
نمی‌کند، مگر از بین رفت آن
[نعمت]».

یک حکیمی گفته است: «کسی
که با سرشتش ضرر می‌رساند با او
انس گرفته نمی‌شود، زیرا قلب شریف

بیماری حسادت و درمان آن // 117

جای خواستگاه چیزهای دشوار نمی-
باشد». محمود وراق گفته است:

أعطيت كل إلا الحسود فإنه
ما إن لي ذنباً إلا تظاهر نعمة
وأبي فما يرضيه وذهب أموالی

داروی از بین رفتن حسادت برای

شخصی که حسادت می‌کند

1- تقوا و صبر: کسی که در

درونش حسادت به دیگری می‌یابد،

باید صبر نماید و تقوا پیشه سازد و از

118 // بیماری حسادت و درمان آن

آن حسادت، در درونش کراهت داشته باشد.

2- برپا داشتن حقوق شخص

حسودی شده: بعضی از مردم که دیندار می‌باشند، به حق شخص حسودی شده دست درازی نمی‌کنند و به ظلم نمودن به وی پیاری نمی‌- رسانند، حتی آنچه از حق وی که واجب است را بجای می‌آورند. اگر کسی شخص حسودی شده را نکوهش نماید در نکوهش نمودن او

بیماری حسادت و درمان آن // 119

همراه نمی‌شود و این چنین است که وقتی کسی از شخص حسودی شده، ستایش می‌کند، سکوت می‌کند، آنان انجام دهنده‌ی امرهایی هستند که برای حق شخص حسودی شده می‌باشند، در آن اعتدال می‌ورزند و به حق او تجاوز نمی‌کنند. پاداش آنها این است که درباره‌ی حقشان کوتاهی به عمل نمی‌آید و البته انصاف دارند و کسی که به شخص حسودی کننده ظلم نماید رایجی نمی‌کنند همان

120 // بیماری حسادت و درمان آن

گونه که [وقتی به] شخص حسودی شده [ظلم می‌شود آن ظلم نمودن را] یاری نمی‌رسانند.

اما کسی که با سخن یا عمل از حد تجاوز نماید، مجازات می‌شود و کسی که از الله تعالی تقوا پیشه سازد و صبر نماید، به واسطه‌ی تقوای او الله تعالی به او منفعت می‌رساند و او را در زمره‌ی ظالمان قرار نمی‌دهد.

3- خودداری از دشمنی

نمودن: در حدیث آمده است: «ثلاث

بیماری حسادت و درمان آن // 121

لا ینجو منهن أحد: الحسد والظن
والطیره وسأحدثکم بما ینخرج من
ذلک: إذا حسدت فلا تبغض وإذا
ظننت فلا تحقق وإذا تطیرت فامض»
(سه چیز هستند که کسی از آن نجات
نمی‌یابد: حسادت، گمان [بد] و فال
زدن و برای شما بی‌مان می‌دارم که
چگونه از آنها، شخص می‌تواند رهایی
یابد: اگر حسادت کردی دشمنی
نمایی و اگر گمان [بد] بردی آن را
محقق نسازی [و به زبان نی‌اوری] و

122 // بیماری حسادت و درمان آن

اگر فال زدی آن را پشت گوش
بیانداز) [رواه ابن ابی الدنیا من حدیث
أبی هریره].

4- دانستن لیدن امر که

حسادت به دین و دنیای حسودی
کننده ضرر می‌رساند و حسودی شده
از آن در دین و دنیا سود می‌برد و
ضرری برای حسادت شده در دنیا و
دین نخواهد بود، بلکه توسط آن سود
می‌برد.

بیماری حسادت و درمان آن // 123

اما ضرر رسیدن به دین شخص
حسود، زیرا حسودی کننده از قضا و
قدر الله تعالی خشمگین می شود و از
نعمت دادن او به بنده ی مؤمنش
کراهت دارد و به هم بین دلیل به
مسلمانی مکر می کند و خیرخواهی
برای وی را ترک می نماید و عمل را
ترک می کند. پیامبر ﷺ فرموده است:
«لا یؤمن أحدکم حتی یحب لأخیه ما
یحب لنفسه» (شخصی از شما ایمان
نمی آورد، مگر آن که برای برادرش

124 // بیماری حسادت و درمان آن

چیزی را دوست داشته باشد که برای خودش دوست می‌دارد) [رواه البخاری (بخارایی) و مسلم]. همچنان امر دیگری وجود دارد که او با ابلیس شریک می‌شود و این خباثت‌ها نیکی‌ها را می‌خورد.

اما ضرر او در دنیا، و در حال حاضر دردمند است و گرفتار عذابی دردناک می‌شود.

اما این امر که ضرری به شخص حسودی شده نمی‌رسد، آنچه

بیماری حسادت و درمان آن // 125

که واضح است این است که با حسادت نعمت از بین نمی‌رود. اما منفعت دینی وی: به شخص حسودی شده از طرف شخص حسودی کننده، ستم می‌شود و چه بسا که حسود با سخن و عمل، مانند: غیبت، بدگویی، پرده برداشتن و ذکر بدی‌های وی، به او ظلم می‌کند، تمامی این موارد هدیه‌هایی هستند که به شخص حسودی شده، تعلق می‌گیرد. منفعت دنیوی که به شخص حسودی شده

126 // بیماری حسادت و درمان آن

می‌رسد، این است که از بزرگترین
اموری که در دنیا دوست داشته می‌-
شود، رسیدن ضرر و اندوه به دشمنان
است و این در حسادت زیاد وجود
دارد و حسود کاری را انجام می‌دهد
که هدف شخص حسودی شده می‌-
باشد. در حقیقت کسی که حسادت
می‌کند، دشمن خودش است و دوست
دشمنش [که همان ابلیس است می‌-
شود] و تمامی این موارد باعث
خوشحالی ابلیس می‌شود و آن

بیماری حسادت و درمان آن // 127

دشمن‌ترین دشمن برای انسان و دیگران است. اگر تعقل صورت گیرد، شخص حسود بر عکس آنچه را که در درون او به وجود می‌آید را انجام می‌دهد، همان‌طور که هر مریضی برای علاج خود بر ضد بیماری کاری را انجام می‌دهد.

5- ستایش نمودن از شخص

مورد حسادت واقع شده و نیکویی به وی: شخص حسود بر خودش تکلیف کند که بدون دروغ‌گویی از او ستایش

128 // بیماری حسادت و درمان آن

نماید و در حد توانایی به او نیکی کند و این امور باعث بهبود یافتن قلب شخص حسودی شده می‌شود و در نتیجه این نیکی کردن، درون حسود تغییر پیدا کرده و سرشت او عوض می‌شود و به وسوسه‌های شیطان عمل نمی‌نماید، زیرا حسادت از روی ناتوانی، نفاق و ترس می‌باشد و تمامی این امور از مکر و حیل‌های شیطان می‌باشد.

بیماری حسادت و درمان آن // 129

این دارویی می باشد، ولی تلخ بوده و انجام آن سخت می باشد. الله تعالی می فرماید: ﴿ادْفَعُ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: 34] (به نیکوترین شکل پاسخ بده تا آن که کسی که بین تو و او دشمنی وجود دارد، تبدیل به یاورى مهربان گردد). عمل سود رساننده عملی است که در آن ستم وجود نداشته باشد و حتی اگر حسادت به آن حکم نماید و آنچه

130 // بیماری حسادت و درمان آن

از حسادت شامل سخن و عمل به وجود می‌آید شایسته است تا تقیض آن انجام گیرد. اگر حسادت به او امر کرد تا از شخص حسودی شده بدگویی کند، او را مدح نموده و ستایش نماید. اگر او را بر آن داشت تا مغرور شود، خود را متواضع گرداند و راه فروتنی در پیش گیرد. اگر او را بر آن داشت که نعمت را از دست شخص حسودی شده خارج گرداند، در نتیجه به او نیکی نماید. اگر این

بیماری حسادت و درمان آن // 131

امور را بر خود تکلیف کند، قلبش آرام می‌گیرد و شخص حسودی شده را دوست می‌دارد و هر چه محبت بیشتر شود، حسادت کم می‌شود و در نتیجه آن چیزی به وجود می‌آید که باعث از بین رفتن حسادت می‌شود؛ زید را فروتنی و ستایش و اظهار خوشحالی برای نعمت باعث می‌شود تا قلب کسی که به او نعمت داده شده است رقت پیدا کند و باعاطفه گردد و بر ضد آنچه صورت گرفته است، عمل

132 // بیماری حسادت و درمان آن

نماید و بعد از آن به او نیکی می‌کند و قلب به حالت اول خود باز می‌گردد.

تلخی این دارو با کمک گرفتن از فروتنی در برابر دشمنان و نزدیک شدن به آنها با ستایش مدح و قدرت داشتن در علم و معانیی که در قبل بیان نمودیم و قوی بودن در اشتیاق داشتن به حکم الله تعالی و دوست داشتن آنچه که دوست دارد و دارای نفسی با عزت بودن و دانستن این امر که در عالم هستی اتفاقی بر خلاف

بیماری حسادت و درمان آن // 133

خواست الله تعالى نمی افتد [به از بین رفتن حسادت کمک می کند].

6- انتشار دادن سلام: پیامبر ﷺ

فرموده است: «أفشوا السلام بينكم» (سلام دادن را بین خودتان انتشار دهید) [رواه مسلم] پیامبر ﷺ از حالت حسادت خبر داده است و این که دوست داشتن باعث از بین رفتن آن می شود و سلام باعث ایجاد محبت می شود و از بین برنده ی حسادت می شود. در کتاب الله تعالی چیزی

وجود دارد که موافق با این امر می -

باشد: ﴿ادْفَعُ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا

الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ

حَمِيمٌ﴾ [فصلت: 34] (به نیکوترین

شکل پاسخ بده تا آن که کسی که بین

تو و او دشمنی وجود دارد، تبدیل به

یاوری مهربان گردد). مجاهد گفته

است: معنای آن این است که بدی

بدی کننده را با سلام پاسخ بده! شاعر

گفته است:

قد يلبث الناس

بیماری حسادت و درمان آن // 135

ود فیزرعه التسليم

7- قناعت داشتن به بخشش

الله تعالی: حکیمی گفته است: «کسی

که از حکم الله تعالی راضی باشد، به

کسی خشم نمی‌ورزد و کسی که به

بخشش او قناعت داشته باشد،

حسودی در وی به وجود نمی‌آید، در

این حال است که از پروردگارش

راضی می‌شود و قلب او مملو از این

رضایت می‌شود».

8- تغییر ر دادن سرشت: لیدن

عمل را کسی باید انجام دهد که زیاده
گرفتار حسادت می‌شود و سرشت را
باید تغییر دهد تا حسادت از بین برود
و این برای او کافی خواهد بود و او را
از ضرر دیدن و دشمنی حفظ می‌کند
و این امر با اراده کردن امکان پذیر
است. از اموری که به آن کمک می‌کند -
کند: بازگشت به سوی الله عَزَّوَجَلَّ و چیره
شدن بر نفس از اخلاق نکوهیده‌ی آن
و تغییر ر دادن نفس پست به نفس

بیماری حسادت و درمان آن // 137

آراسته. اگر تغییر سرشت سخت باشد با سختی کشیدن و انجام آن به صورت مرحله به مرحله آسان می‌شود و آنچه برای او سخت است دوست داشتنی می‌شود. کسی گفته است: کسی که پروردگارش او را خلق نموده است، چگونه می‌شود که مخلوق خود را رها کند، غیر از این نیست که در پاک کردن نفسش به او کمک می‌کند و او را از اخلاقی به اخلاق دیگر سوق می‌دهد و با عادت

138 // بیماری حسادت و درمان آن

کردن به اخلاقی، آن اخلاق در سرشت انسان قرار می‌گیرد. ابو تمام طائی گفته است:

فلم أجد الأخلاق

ولم أجد الأفضال

9- تعقل نمودن: همان چیزی

است که نتایج حسادت را زشت می‌-

شمارد و از آن راضی نمی‌شود و از

بدی کردن منع می‌کند و باعث فروتنی

می‌گردد و تعصب آن را پاک می‌کند و

رشد نفس را موجب می‌شود و به

بیماری حسادت و درمان آن // 139

اصلاح آن، امر می‌کند. این فقط نفسی را اصلاح می‌کند که از حسادت خودداری می‌کند و دارای همت والا می‌گردد و اگر همت شخص بالا باشد از حسادتی که عقل او، او را منع می‌کند جلوگیری می‌نماید - زی را الله عَزَّوَجَلَّ معرفتی را در آن به امانت می‌گذارد که ضررهای حسادت را می‌شناسد - و شخص به بین اختلاف سرشت و دعوت دشمن [که همان شیطان است]، قرار می‌گیرد.

10- دفع کردن ضرر حسادت

و حفظ شدن از اثر آن: شخص بداند که منزلت نفسش بالاتر از آن است و منزلت آن از حسودی دور می‌باشد و با دوراندیشی و دفع رنجاندن حسادت، دارای نفسی راحت و زندگی گوارا می‌شود. گفته شده است: چه عجیب است که با کنار گذاشتن حسادت، سلامتی در بدن ایجاد می‌گردد.

بیماری حسادت و درمان آن // 141

11- توجه به این که حسودی

کردن باعث نفرت مردم از آن شخص می‌شود: از آنها بترسد که با او دشمن شوند یا آن که او را مورد سرزنش قرار دهند و با ایجاد الفت به معالجه‌ی خودش پردازد و در پی آن باشد که به سزوارترین منفعت رساندن و خالص‌ترین دوستی برسد.

12- یاری نمودن قضا و

تسلیم شدن به تقدیر: شخص این گونه نبیند که می‌تواند بر حکم الله

142 // بیماری حسادت و درمان آن

تعالی و قضای او چیره شود و در نتیجه خود را مغلوب آن ببیند و مخالفت با آن را محروم شدن و از دست دادن منفعت ببیند. اردشیر بن بابک گفته است: «اگر قضا و حکم [الله تعالی] ما را یاری ندهد، ما آن را یاری می‌دهیم». محمود وراق گفته است:

قدر الله کائن حین یقضى وروده
قد مضى فیک وانتهی ما یریده
وأخو الحزم لیس مما یزیده

بیماری حسادت و درمان آن // 143

فأرد ما یكون إن لم یکن ما تریده

13- از بین بردن سبب‌های

حسادت: داروی کارآمد این است که از سبب‌های ایجاد حسادت مثل: غرور و خودستایی و زیاد بودن حرص بر مال و دیگر موارد جلوگیری شود، آنها علت بیماری هستند و بیماری از بین نمی‌رود، مگر با از بین رفتن علت آن.

14- کراهت داشتن از قلبی

که دوست دارد، نعمت از بین برود:

144 // بیماری حسادت و درمان آن

اگر شخص نفس و قلب خود را وادار گرداند تا از آنچه که از دوست داشتن از بین رفتن نعمت در آن وجود دارد، کراهت داشته باشد، تا آنجا که بر نفس به علت داشتن چنین صفاتی خشم آورده شود و این کراهت در جهت عقل و در راه حق قرار داشته باشد، آنچه بر شخص واجب شده است را بجا آورده است و در اغلب موارد نفس تحت اختیار گرفته می‌شود.

15- آگاه بودن از ضررهای

حسادت بر شخص حسود در آخرت:

زیرا حسود در اعتراض به تقدیر الله

تعالی می‌باشد و حسود با کافران

تشابه دارد و حسود سربازی از

سربازان ابله‌پس است و حسود از

مؤمنان جدا می‌شود و حسود در

آخرت عذاب می‌شود و از نیکی‌های

حسود گرفته می‌شود و به شخص

مورد حسادت قرار گرفته داده می‌-

شود.

16- آگاه بودن از ضررهای

حسادت برای حسود در دنیا؛ زیرا حسود دائماً در غم و اندوه است و حسود برای خودش آشوب درست می‌کند و حسود همواره همراه بلا است.

17- حسود بداند که به

مسلمانانی که حسادت کرده است، خیانت نموده است و خیرخواهی برای آنان را ترک کرده است و با دشمنان آنها مشارکت نموده است؛ اِبلِیس و

بیماری حسادت و درمان آن // 147

کافران دوست دارند که نعمت مؤمنان از بین برود و کراهت دارند که به آنها نعمت برسد و او به حکمی که **اللَّهُ وَعَجَلًا** برای بندگانش فرموده است، خشم می‌ورزد.

18- حسود بداند که به کسی

که از روی بغض ورزیدن و دشمنی با او حسادت می‌کند، نعمت آن شخص با حسادت وی از بین نمی‌رود.

19- حسود بداند که حسادت

در دین و دنیا از نوع حسادت ابله‌یس است.

20- حسود بداند که اگر

حسادت به شخص مورد حسد قرار گرفته ضرری برساند، از روی حسادتش نعمتی از او ضایع می‌گردد و این باعث بزرگترین ضرر برای حسود می‌شود، زیرا او عیب نمی‌داند که دیگری به او حسودی کند.

بیماری حسادت و درمان آن // 149

21- بداند که اگر به نزدیکان،

فامیل، دوستان و همنشینان حسودی
کند، دچار اخلاق پست شده است.

22- اخلاص.

23- خواندن قرآن و تدبیر

قلبی در آن.

24- یاد نمودن حساب و

کتاب و مجازات.

25- دعا نمودن و صدقه

دادن.

26- حسود یاد کند که سم-

های خود را به برادرانش می‌رساند و
تیر او به آنها برخورد می‌کند در
حالی که آنها یهودی و مسیحی نمی-
باشند.

با لیدن روشها، به شخص

خوشبختی می‌رسد و هدایت شامل

حال فرد می‌شود و از بیماری، به راه

درست می‌آید و از تاوان دادن راحت

می‌شود و به جای ایراد داشتن، دارای

بیماری حسادت و درمان آن // 151

فضیلت می شود و به جای نکوهش،
از او ستایش می شود.

برای مطالعه بیشتر به این منابع
رجوع کنید:

1- طب القلوب از ابی طالب
المکی.

2- أدب الدنيا والدين، محمد
علی صبیح.

3- موارد الظمان، عبد العزیز
السلمان.

152 // بیماری حسادت و درمان آن

4- فقه الحسد، مصطفى

العدوى.

5- الحسد الداء والدواء،

الحارث بن أسد المحاسبى.

6- رسائل التوبة من الحسد،

عبد الملك القاسم.

7- جامع العلوم والحكم، ابن

رجب الحنبلى.

8- تنبيه الغافلين.

9- مختصر منهاج القاصدين.

10- الحث على سلامة الصدر.